

یادداشت روز

از قاجار تا امروز

کارفرمایکی است

مردی که ۱۲۵ سال پیش دست انگلستان را به نفت ایران رساند، انگلیسی نبود. اتفاقاً فارسی حرف می‌زد و در ایران زندگی می‌کرد؛ البته کار خیلی سختی هم در پیش نداشت. فقط کافی بود اهمیت رابطه با انگلستان را بزرگ و ارزش امتیاز نفت ایران را ناچیز جلوه دهد؛ و همین کار را هم کرد.

«آنتوان کتایچی» از تبار ارمنی تبار مورد توجه دربار قاجار؛ در حالی که تنها هدفش واگذاری امتیاز نفت ایران به «دارسی» بود، سعی کرد در گفت‌وگو با مقامات ایران ابتدا اصلا موضوع نفت را به میان نکشد؛ و در عوض تا می‌توانست از اهمیت رابطه با انگلستان گفت. وقتی به اندازه کافی تحکیم دوستی با بریتانیا برای ایجاد توتانر قوا با روسیه را بزرگ و با اهمیت جلوه داد، یک پیشنهاد کوچک اا هم ارائه کرد: چطور است به همین منظور امتیاز نفت را به آنها بدهیم؟

کتایچی به «میرزا علی‌اصغر تاتیک»، صدراعظم وقت «مظفرالدین‌شاه» گفت: «عطای «چنین امتیاز کوچکی» بهای کمی برای حفظ دوستی بریتانیا است…» او در حالی «همین نفت ایران» را «امتیاز کوچک» و «بهای کم» توصیف می‌کرد که هنوز زمان به گفته «مهندسالملک» (وزیر معادن وقت) دولت ایران از سه منبع استخراج نفت در شوشتر، دالکی و فیض‌شیرین، سالانه ۲۰۰۰ تومان عایدی داشت. در جریان مذاکرات منتهی به واگذاری امتیاز نفت نیز وزیر معادن از فروانوی عظیم نفت در جنوب غربی ایران به دیگران یاد کرد. نفتی که همان موقع در بازار داخلی ایران نیز مشتری داشت.

مقامات ایران به اندازه کافی از اهمیت اقتصادی نفت خبر داشتند؛ شاید برای همین بود که مظفرالدین شاه خواستار واگذاری امتیاز نفت به رقی می‌تربیا دو برابر چیزی که کتایچی می‌خواست، شد. اتفاقی که باعث وحشت «کتایچی» شد و او همه کار کرد تا مبلغ قرارداد را به رقم قبلی براندازد.

متأسفانه «کتایچی» موفق شد و در ۷ خرداد ۱۲۸۰ (۲۸ می ۱۹۰۱) به مدت ۶۰ سال امتیاز استخراجی جست‌وجو، استخراج و بهره‌برداری نفت در قبر و سراسر سرزمین ایران به دست عثمانی در ازای پهنای ناچیز به «ولیم نکس دارسی» انگلیسی واگذار شد و با حماقت رضا پهلوی در آن ۱۲۱۱ تا سال ۱۳۷۲ (۱۹۹۳) نیز تمدید شد.

اگر نگاه‌های ما دیدبان غربگرایان اسرروز بیان کنیم باید بگوییم مظفرالدین شاه مسئله نفت ایران را ناموس می‌نکرد! (همان‌طور که بیش از آن پدرش مسائل دیگری مثل امتیاز زاهدان شمال، امتیاز تلگراف جنوب، امتیاز استخراج معادن فلزات، امتیاز تنباکو، امتیاز گمرکات و… را ناموسی نکرده بود؛ و هر کدام را به وسیله بازی گشت‌وگذار کرد یا همان‌طور که محمدرضا پهلوی ۶۸ سال بعد ماجرای بحرن را ناموسی نکرد! مجمع‌الجزایر کوچک بحرن پیش‌مشکل از حدود ۵۰ جزیره مستقر در میانه و در مسیر سواحل جنوبی خلیج‌فارس، از حدود اودار کربخ سسستی ۴۰ قلمرو ایران بود. فقط اشغال برتقالی‌ها و انگلیسی‌ها در دو دوره مختلف بود که این قسمت از خاک ایران را در سرزمین مادری جدا کرد. فراتر از تیرتوهای زیرزمینی، وجود بحرن در قلمرو ایران، آب‌های سرزمینی ایران را تا سواحل جنوبی خلیج‌فارس گسترش می‌داد و علاوه بر تنگه هرمز تسلط فوق‌العاده‌ای برای ایران در تمامی پهنه آبی خلیج‌فارس ایجاد می‌کرد. اما علی‌رغم این اهمیت راهبردی، محمدرضا پهلوی سعی در کوچک نشان دادن ارزش بحرن برای ایران داشت.

۸ تیر ۱۲۹۹ سفارت انگلیس در تهران طی گزارشی محرمانه به وزارت خارجه انگلستان نوشت: «شاه سال‌ها عادت داشت محرمانه به ما بگوید که هیچ نمایی به تصاحب بحرن ندارد، بحرنی که به گفته او مرور بهادش تمام شده و نقشش در حال اتمام است، اما معتقد بود به دلیل افکار عمومی ایران، نمی‌تواند بدون دلیل موجه از این ادعا صرف نظر کند.» انگلیسی‌ها فکر این قسمت را در کمال بودند و برای افکار عمومی ایران از مدت‌ها پیش برنامه داشتند. دوم شهریور ۱۳۲۵ «دینس رایث» سفیر انگلستان در ایران به «عباس مسعودی» مدیر روزنامه اطلاعات تهران نوشت: «بحرن مهم‌ترین مسئله امروز افکار عمومی برای پذیرش آاین مسئله است» که بحرن در حقیقت یک دارایی ارزشمند برای ایران نیست». توضیحات محمدرضا پهلوی و ارگان‌های رسانه‌ای‌اش مانند روزنامه‌های اطلاعات و اخبار مبنی بر «تمامت نفت بحرن» یا «عدم صرفه اقتصادی صید مروارید در بحرن» یا «هزینه بالای تأمین امنیت و حفاظت از بحرن»… و با همین هدف مطرح می‌شد. روزنامه اطلاعات ۱۳ اردیبهشت ۱۳۴۴ به نقل از مدیر خود یعنی «عباس مسعودی» نوشت: «بحرن نفت خاک قابل صدور تجارنی ندارد. جاهای نفت آنجا ذخیره کافی ندارد… مروارید بحرن به واسطه پیدایش مروارید گشت شد رواج زیادی‌ها در واقع افتاده و صید آن مقرون به صرفه نیست… این سرزمین، برای دیگر شیخ‌نشینان، کشاورزی و وجود خالی ندارد. از سیر تا پیاز و به قول معروف از سفیدی نمک تا سیاهی زغال خود را از خارج وارد می‌کنند.» به‌ناتنا با همین خط تبلیغاتی و بدون هیچگونه بهررسی و وجوه به آرای مردم بحرن، این جزیره در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۹ از خاک ایران جدا شد.

روز پهلوی با هدایت انگلیسی‌ها فضای رسانه‌ای را به نحوی مدیریت کرد بود که «ساده‌العلم» در خاطرات آن رؤسار نوشت: «شنیدن خبر این قضیه (استقلال بحرن) از رادبو تهران ریشور جالب بود؛ گوینده خبر چنان با افتخار و غرور آن را خواند که گویی بحرن را فتح کرده‌ام!» شاید باور نکند، اما ۹ سال بعد و حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در سبگرام ایران که آن وقت در دولت موقت سرخورد بودند و اقدامی مشابه با کوچک‌نمایی اهمیت جنگنده‌های اف ۱۴ نیروی هوایی ارتش ایران، خواستار واگذاری آنها به آمریکا شدند. این در حالی بود که آن زمان ایران تنها دراز مدت‌ها بعد از جنگنده اف ۱۴ در منطقه بود و حتی رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی نیز این نوع جنگنده را در اختیار نداشتند.

۱۳ مرداد ۱۳۵۸ ابراهیم یزدی، وزیر خارجه وقت دولت موقت به روزنامه کیهان گفت: «این هواپیماها ۱۴اف تماما الکترونیک هستند و چنانچه تحقیق شده فنی‌ها همین است ایران تا چندین سال دیگر این امکان را ندارد که کارهای مهمی مانند پلوتونیم مستقلاً این هواپیماها را به کار بیاورد.» با در نظر گرفتن بیش از حد این هواپیماها و این که هر ساعت پروازش برای ایران ۱٫۵ میلیون دلار خرج برمی‌دارد و تأثیر نامیداشتن این هواپیماها باعث وابستگی شدیدی ما خواهد شد؛ دولت تصمیم گرفته این هواپیماها را به آمریکا به هر دولت دیگری بفروشد». خوشبختانه این بار آینه‌آل خامنه‌ای، آینه‌آل پهنشتی و برخی دیگر از اعضای شورای انقلاب اجازه واگذاری جنگنده‌های اف ۱۴ از تنگه‌های ایران را ندادند. همین جنگنده‌ها حدود یک سال بعد یکی از مهم‌ترین ستون‌های دفاع هوایی ایران در مقابل ارتش بعث صدام را ساختند و حتی به گذشت ۲۷ سال در جنگ عراق نیز عملیات موفقیت‌آمیز داشتی.

دولت موقت با همین استدلال خواستار لغو قرارداد ساخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر با شرکت آلمانی سازنده شد؛ آن هم در شرایطی که حدود ۸۰ درصد عملیات ساختمانی و ۶۵ درصد عملیات الکترومکانیکی و یک این پروژه به پایان رسید بود. «فریدون سحابی» سرپرست سازمان انرژی اتمی ایران در دولت موقت می‌گفت: «اکثر اساتید دانشگاه و تحصیلمان این امر، مسئله را بررسی کردند- این نظر که مسئله اصولاً دانش نیروگاه‌های هسته‌ای در شرایط زمانی مناسب هست یا نه- با توجه این بررسی‌ها منتهی بود. یعنی داشتن نیروگاه‌های هسته‌ای بوشهر که هزینه هنگفتی را برادرشسته است؛ و نفع و صلاح کشور تشخیص دادند. «دعای کارشناسانه»ا دولت موقت در حالی بود که امروز می‌دانیم فقط یک واحد از نیروگاه هسته‌ای بوشهر با ظرفیت محدود و در سال‌های متعدد از فعالیتش تقریباً به اندازه یک چهارم تمام سدهای کشور برق تولید کرده‌اند؛ طبق گزارشی که «محمداسلامی» رئیس سازمان انرژی اتمی ۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ ارائه داد نیروگاه هسته‌ای بوشهر طی ۱۱ سال از فعالیتش «تقریباً چهار برابر هزینه ساختش را تأمین کرده‌است» و «باعث صرفه‌جویی به‌طور میلیاردی در لاری در مصرف سوخت فسیلی شده‌است»

حالا اگر وقتی لابلای اخبار سال‌های اخیر- اظهاراتای مبنی بر بی‌اهمیت‌نشان دادن قدرت دفاعی و مشکلی را هنوز به‌زبان یاد صنعت هسته‌ای- در دسرس‌سوزان مدیریت تنگه‌هرز می‌بیند نباید یاد تعجب کند. طبق همان الگوی هوشمندگشتی دستان ناچار، ایلا سلطه‌گران، مستقیم یا غیرمستقیم مشغول کوچک‌نمایی دارایی‌ها و دستاوردهای ایران هستند تا زمینه را برای واگذاری آن فراهم کنند.

بقیه در صفحه ۷

«یاس و تفرقه» اسم رمز تازه‌ترین پروژه آمریکا

ترامپ شکست خورد

پادوهای داخلی آمریکا به دست و پا افتاده‌اند

سرویس سیاسی- پادوهای آمریکا و مسببان جنگ، مأموریت جدید خود را کلیتاً زده‌اند. فراتر-یون مأموریت‌دار مدعی اصلاحات در این پروژه آمریکایی، در سایه عدم انجام وظیفه دستگاه‌های مسئول در محو شبکه نفوذ آمریکا، پروژه پایمال کردن خون امام شهید و مردم، تخطئه مقاومت و تبرئه دشمن و ایجاد یاس و تفرقه را برای آموریت‌دارنده به نفع آن کار کنند و در داخل محیط، اولویت‌ها و سیاست‌های اصولی و اساسی را تغییر دهند.

به اهداف جنگ علیه ایران، به دنباله داخلی محو امیدوار است. فراتر-یون مدعی اصلاحات در مقام شبکه تأمین منافع آمریکا در ایران با پیماز خواست دشمن در حال آماده کردن عرصه برای حمله گسترده‌تر به ایران هستند. شبکه پشتیبان اشوب و جنگ در داخل، چنان‌که قبلاً در پی معامله همه‌اھرم‌های قدرت ایران برای تحقق پروژه نرمالیزاسیون و ذبح انقلاب بود، اسرور از تنگه هرمز، توان موشکی، نقش‌افرنی منطقه‌ای و دیپلماسی تجاری با چین فارغ نباشته است و می‌خواهد به نفع دشمن و دادن تنفس و قدرت مجدد به آن، فاتحه این مؤلفه‌ها را بخواند.

مثلاً در موضوع تنگه هرمز، آمریکا قرار می‌گیرد. بازی‌های ترامپ برای کاهش قیمت نفت است و ایران باید به قیمت نفت بهره برد. ترامپ می‌گوید اگر با ایران توافق نمی‌کردیم، ذخایر نفت ما ۴ هفته دیگر تمام می‌شد. اما در مصاحبه با آکسیوس می‌گوید طواری کردن جنگ با این باعث رکود جهانی می‌شد.

در این شرایط روحانی، رئیس دولت برجام که در پایان دولت دوازدهم، محبوبیتش به زیر ۷ درصد سقوط کرد، در جلسه اخیر خود به ترامپ و بلند استیضین شافت و گفت که تنگه هرمز باید پرورنی و برای ما اھرم امنیت باشد، تنگه ی کشتی به چه دردی می‌خورد؟ ما نمی‌خواهیم تجارت جهانی را مختل کنیم!

پادوهای که اولویت‌ها را تغییر می‌دهند

آمریکا کاملاً نتوست به اهدافش در سرنگونی نظام، تجزیه ایران و تصاحب نفت ایران برسد و با بسته شدن

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

اخبار کشور

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷